



مناقب سلطانی

نگاهی به احوال و آثار سلطان باهو
شاعر و عارف پر آوازه طریقت قادریه شبیه قاره



دکتر محمد جواد شمس
استاد ادیان و عرفان دانشگاه مذاهب اسلامی
dr-m-j-shams @ yahoo.com

اصل وی را از سادات علوی دانسته و گفته اند که نیاکان وی در سده نخست و پس از قیام عاشورا به هندوستان هجرت کردند. آنان در آغاز در «پند دادن خان» در ایالت جهلم، (۱) در پاکستان کنونی، ساکن شدند. اما در سده ۱۱ ق محل اقامت خود را تغییر دادند.

پدرش که به «اعوان» نیز شهرت داشت و مردی صالح، متشرع، حافظ قرآن، فقیه و همچنین از منصب داران شاهجان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ ق) بود، با خانواده خود به شرکوت (۲) یا شورکوت از توابع جهنگ، (۳) در پنجاب، نقل مکان کرد. باهو در قلعه قعرگان شورکوت در ۱۰۳۹ ق چشم به جهان گشود. گفته اند مادرش که زن زاهد و با تقوایی بود، بدو لقب «باهو» داد و خود او نیز ضمن تأیید این مطلب، در وجه تسمیه خود گفته است: «زانکه باهو دائمی، باهو نهاد.» (۴) او تحت سرپرستی مادرش رشد و نمو یافت و

چکیده:

سلطان محمد باهو یکی از عارفان منتسب به سلسله قادریه در هند است. وی علی رغم آنکه از علوم ظاهری بهره چندانی نبرد، همواره مریدان خود را به علم آموزی ترغیب می نمود و به تربیت شاگردان بر طبق موازین شرعی همت می گمارد. آثار نسبتاً فراوانی به سلطان باهو نسبت داده شده است که در برخی منابع، تعداد آنها به ۱۴۰ اثر می رسد. این نوشتار همراه با نگاهی اجمالی به زندگی و اندیشه های سلطان باهو، به معرفی مختصر مهم ترین آثار فارسی وی پرداخته است.

الف) شرح احوال:

نام او سلطان محمد و نام پدرش سلطان بازید یا بایزید محمد بود.



چنانکه گفته اند، تحصیلات ابتدایی را نیز نزد او فراگرفت. (۵) پس از آن به تصوف تمایل یافت و نزد حبیب الله قادری به سیر و سلوک پرداخت و سپس به فرمان او به دهلی رفت و دست ارادت به پیرعبدالرحمان قادری، پیر و استاد شیخ حبیب الله، داد. بعضی با استناد به برخی از گفته ها

وسروده های باهو، سیر و سلوک وی را نزد پیرعبدالرحمان نپذیرفته اند و معتقدند که او به طریق اویسی و باطنی دست بیعت و ارادت به حضرت رسول اکرم(ص) داد. خود او نیز مدعی شده که مرشد کامل و هادی اکمل او، حضرت امیرالمومنین علی (ع) بوده و آن حضرت او را به مجلس و محضر رسول اکرم(ص) رهنمون شده است. (۶)

در کتاب مناقب سلطانی به اغراق، تعداد مریدان او یازده هزار نفر گفته شده است. (۷) برخی نیز گفته اند که وی در سفر به دهلی، در مسجد جامع، اورنگ زیب را تلقین ذکر داد و او را به سلسله قادریه رهنمود شد و بنا به درخواست همو، رساله اورنگ شاهی را تالیف کرد (۸) از جمله مریدان و تربیت یافتگان مکتب عرفانی وی، می توان سید احمدشاه، محمودشاه، شیخ جنید قریشی، سلطان حمدی بهکری، ملاعالم شاه، سید موسی شاه گیلانی را نام برد. (۹)

با این همه، براساس شواهد تاریخی، سلطان باهو پس از آنکه از شیخ عبدالرحمان خرقه



سلطان باهو در اعتقادات خود به تشیع نزدیک بود تا آنجا که حتی معرفت خود را مدیون ارادتش به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دانسته است. او معتقد بود که طریقت از شریعت، جدا نیست و از این رو در حفظ سنت و آداب شریعت بسیار می کوشید

او سرانجام در ۱۱۰۲ ق در سن ۶۳ سالگی درگذشت و نخست در قلعه قعرگان دفن شد، اما ظاهراً به سبب نامناسب بودن محل جغرافیایی مدفنش و جلوگیری از خرابی مقبره او، جسدش را در ۱۱۹۰ ق به شورکوت منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند. این محل که در فاصله شش کیلومتری روستای گره مهاراجه قرار دارد، موسوم به «دربار سلطان باهو» و زیارتگاه مردم است. (۱۰) پس از وفات او، فرزنداش بر مسند ارشاد تکیه زدند. (۱۱)

سلطان باهو در اعتقادات خود به تشیع نزدیک بود تا آنجا که حتی معرفت خود را مدیون ارادتش به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دانسته است. او معتقد بود که طریقت از شریعت، جدا نیست و از این رو در حفظ سنت و آداب شریعت بسیار می کوشید. عارف بالله را کسی می دانست که ظاهرش به شریعت محمد (ص) آراسته باشد. (۱۲) از آثار باهو می توان به این نتیجه رسید که وی عارفی اهل شریعت، بوده است که به ویژه به اخلاق صوفیانه اهمیت می دهد. او تهذیب نفس و تصفیه باطن را شرط وصول به حق می دانست و به اجتناب از نفس اماره و دوری از هوای نفس فرا می خواند. با وجود آنکه خود چندان علم نیاموخت، مریدان را به فراگیری علم، دعوت می کرد و گفت: علم مونس جان، وجهل (بی علمی) دشمن جان است. زاهد بی

علم مانند دیو و شیطان است. (۱۳) یکی از مهم ترین اندیشه های عرفانی وی نظریه «**وحدت وجود**» است. موضوع وحدت وجود یکی از محوری ترین اندیشه های ابن عربی و مکتب عرفانی اوست که در طی تاریخ عرفان و تصوف، از سده ۷ ق به بعد، همواره طرفداران و منتقدان بسیاری داشته است. عنایت یک صوفی قادری قرن ۱۱ ق به وحدت وجود، بیانگر اهمیت این موضوع در دروه های مختلف است. سلطان باهو به ویژه در دیوان اشعارش، بارها بر این موضوع تأکید کرده است که «**ولا موجود فی الكونین ولا مقصود الا هو.**» (۱۴)

باهو همچنین از فقر محمدی و مقامات فقیر نیز سخن به میان آورده است. وی از فقر محمدی برداشتی ادبی و اخلاقی دارد. او فقر محمدی را اقیانوسی ژرف می داند که غواصان، گوهر تابناک صفای باطن، رضا به قضای الهی و معرفت حق به دست می آورند. با این همه، او علم را ملازمه چنین فقری می داند. البته علم نیز زمانی نافع است که مسبوق به عشق باشد. برخی کوشیده اند که اصطلاح فقر را در نظر باهو، با انسان کامل ابن عربی و عبدالکریم جیلی، شبیه و یکسان بدانند. (۱۵) در سروده ها و آثار موجود وی، به مقام شیخ و مراد و نیز به وصف و مدح شیخ عبدالقادر گیلانی، بنیانگذار طریقت قادریه، پرداخته شده است. (۱۶)

ب- آثار

هرچند باهو چندان علم نیاموخت، آثار زیادی به او نسبت داده اند که از آن میان، برخی از آنها برجای مانده است. به گفته وی: «این فقیر را ظاهری علم چندان نبود، اما از واردات و فتوحات علم باطنی، چندان علم گشاد که برای اظهار آن دفتر باید.» (۱۷)

دربری از منابع، تعداد آثار باهو ۱۴۰ اثر گفته شده که به زبانهای فارسی، عربی و پنجابی بوده است. حتی گفته اند که شهرت وی بیشتر به سبب منظومات پنجابی اوست که البته بسیاری از آنها از بین رفته است. (۱۸) مهم ترین آثار فارسی وی عبارتند از:

۱. اسرار قادری، موضوع این رساله، «ذات باری»، «معرفت»، «الهام» و «علم لدنی» است. از این رساله چند نسخه موجود است. از جمله نسخه ای در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد به شماره ۳۸۰۴ و نسخه ای در کتابخانه مخدوم سید شمس الدین گیلانی در اوچ، نگهداری می شود. (۱۹)

۲. امیرالکونین، رساله ای است به نثر، آمیخته به نظم فارسی درباره فقرو فقیر. مولف در این رساله از دو نوع فقیر سخن به میان آورده است: «فقیر اهل هوا» و «فقیر اهل خدا» و گروه دوم را «امیرکونین» (امیردنیا و آخرت) خوانده است. نسخه ای از این اثر در کتابخانه گنج، بخش اسلام آباد به شماره ۳۸۰۲ موجود است. (۲۰)

۳. اورنگ شاهی، که با عنوان رساله روحی و روحی اورنگ شاهی نیز شهرت دارد. این رساله به نثر آمیخته به نظم است و به موضوع «نوراحدی» و «وحدت و کثرت» اختصاص دارد و درباره لفظ «کن» و تفسیر آیه «و نفخت فیه من روحی» و آفرینش و پیمان روز الست نیز مطالبی در آن آمده است. از این رساله، چندین نسخه موجود است. (۲۱) سلطان الطاف حسین، این رساله را به زبان اردو ترجمه و در ۱۹۹۳ م در لاهور چاپ کرده است. ترجمه دیگری نیز از آن توسط فردی ناشناس، به زبان اردو انجام گرفته که در لاهور چاپ شده است. (۲۲)

۴. توفیق الهدایت، رساله ای است عرفانی به

فارسی، که دو نسخه از آن در کتابخانه مولانا محمد ابراهیم ناظم در شکارپور موجود است. (۲۳)

۵. تیغ برهنه، رساله ای است در عرفان به فارسی، شامل ۴۱ بخش که هر بخش را جوهر نامیده است. برخی از عناوین بخشهای آن عبارت است از: ۱. جوهر عام؛ ۲. جوهر خاص؛ ۳. جوهر حکمت؛ ۴. جوهر جمعیت؛ ۵. جوهر کلید؛ ۶. جوهر توحید؛ ۷. جوهر تجرید؛ ۸. جوهر تفرید؛ ۹. جوهر توفیق؛ ۱۰. جوهر تحقیق؛ ۱۱. جوهر معرفت؛ ۱۲. جوهر عرب؛ ۱۳. جوهر حضوری؛ ۱۴. جوهر تجلیات ذات نوری؛ ۱۵. جوهر علم کیمیا و اکسیر؛ ۱۶. جوهر تفسیر با تایید قلب سلیم؛ ۱۷. جوهر ذکر؛ ۱۸. جوهر حال؛ ۱۹. جوهر دلیل؛ ۲۰. جوهر الهام؛ ۲۱. جوهر خیال؛ ۲۲. جوهر جلال؛ نسخه ای از آن در کتابخانه مولانا محمد ابراهیم ناظم در شکارپور موجود است. (۲۴) این کتاب را نیز شخص ناشناس به اردو ترجمه و در لاهور چاپ کرده است. (۲۵)

۶. جامع الاسرار، رساله ای است عرفانی به فارسی که در هفت باب تدوین یافته است: ۱. در ذکر اسم الله، دریافت قلوب، تحقیقات علم؛ ۲. ذکر نفس و روح شیطانی و دنیا؛ ۳. ذکر مراقب؛ ۴. تحقیقات؛ ۵. خواب و تعبیر و دریافتن حقایق مراقبت؛ ۶. تصویر برزخ، نقش اسم الله؛ ۷. ذکر اسم اعظم. از این اثر نیز نسخه ای در همان کتابخانه موجود است. (۲۶)

۷. دیوان، شامل مجموعه سروده فارسی سلطان باهو است. از این اثر، نسخه های متعددی موجود است. (۲۷) مجموعه اشعار باهو برای نخستین بار در ۱۸۷۰ م در سیالکوت به صورت سنگی چاپ شد. پس از آن در ۱۸۷۵ و ۱۹۶۳ م در لاهور به زیور طبع آراسته شد. تصحیح انتقادی آن به کوشش سلطان الطاف علی انجام گرفته و در لاهور در ۱۹۹۳ م به چاپ رسیده است. (۲۸) او همچنین سروده های باهو را با عنوان ایات باهو ترجمه و شرح کرده و در ۱۹۷۵ م در لاهور به چاپ رسانده است.

۸. شمس العارفین، کتابی است عرفانی و شامل ۷ باب. چنانکه برخی اشاره کرده اند، این کتاب به

هرچند باهو چندان علم نیاموخت، آثار زیادی به او نسبت داده اند که از آن میان، برخی از آنها برجای مانده است. به گفته وی: «این فقیر را ظاهری علم چندان نبود، اما از واردات و فتوحات علم باطنی، چندان علم گشاد که برای اظهار آن دفتر باید.»



محبة الاسرار،
رساله ای است
عرفانی به نثر
فارسی آمیخته به
نظم درباره انسان
کامل، معرفت الهی
و فقروفقیر که با
حدیث قدسی «
الانسان سری وانا
سره» و «کنت کنزا
مخفیا» آغاز شده
است

زبان اردو ترجمه شده است. (۲۹) نسخه ای از آن به شماره ۳۶۷-۱۹۵۸ در کتابخانه موزه ملی کراچی نگهداری می شود. (۳۰)

۹. عقل بیدار، رساله ای است عرفانی به فارسی و به نثر آمیخته به نظم. موضوع این رساله، سیروسلوک و فنای فی الله است. از این اثر چند نسخه خطی موجود است. از جمله، نسخه ای در کتابخانه مخدوم شمس الدین گیلانی در اوچ، دو نسخه در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد نگهداری می شود. (۳۱) ترجمه ای نیز از آن به اردو انجام گرفته و در لاهور به چاپ رسیده است. (۳۲)

۱۰. عین الفقر، رساله ای است عرفانی و به فارسی در تعلیم مریدان. این اثر در ۱۰۵۵ ق در ۱۰ باب، تدوین شده است. موضوعات و عناوین ابواب آن عبارتند از: ۱. شرح ذات، برزخ اسم الله؛ ۲. تجلیات و تحقیقات مقامات نفس که بر چهارده قسم است؛ ۳. ذکر مرشد و طالب سبیل؛ ۴. مخالفت با نفس و کشتن آن؛ ۵. ذکر علما و فقرا؛ ۶. ذکر مراقبت و مشاهدت و خواب؛ ۷. ذکر الله به قلب و روح، سروجهر و خفیه؛ ۸. عشق،

وصال، فنا؛ ۹. ذکر شراب و حقایق اولیاء؛ ۱۰. فنا فی الله و ذکر اولیاء و ترک ماسوا.

آثار دیگری نیز با عناوین عین الفقر کبیر، عین الفقر متوسط و عین الفقر صغیر به او نسبت داده اند. اثر اخیر به احتمال، گزیده عین الفقر کبیر بوده است. از این کتاب، چندین نسخه موجود است. از آن جمله، دونسخه در کتابخانه درگاه شادروان پیرمهر علی شاه در راولپندی و دو نسخه در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد به شماره های ۳۰۲۵ و ۳۸۰۴ نگهداری می شود. (۳۳)

ترجمه ای نیز از آن به اردو صورت گرفته است که با عنوان اسرار طریقت ترجمه عین الفقر در لاهور به چاپ رسیده است. (۳۴)

۱۱. فضل اللقاء. که تحت عنوان عیان الفقراء نیز از آن یاد شده است. مؤلف، این رساله را به نثر فارسی، به نام اورنگ زیب (حک: ۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق) و در بزرگداشت سلسله قادریه نوشت. نسخه ای از آن در مجموعه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ۳۷۱۸ و نسخه ای در کتابخانه مولانا محمد ابراهیم ناظم در شکارپور نگهداری می شود. (۳۵)

۱۲. قرب دیدار، رساله ای است عرفانی، به فارسی. از این اثر، دو نسخه در کتابخانه مولانا محمد ابراهیم ناظم در شکارپور نگهداری می شود. (۳۶)

۱۳. کشف الاسرار، نسخه ای از این رساله در کتابخانه غلام محمد گهوتوی در بهاولپور موجود است. (۳۷)

۱۴. کلید توحید، مولف، این رساله را نیز که در عرفان و به نظم و نثر فارسی است، به نام اورنگ زیب نوشته است. در دیباچه این کتاب گفته است: «هر مفلس که این کتاب را خواند، غنی گردد و اگر پریشان اهل حیرت خواند، جاودانی حاصل شود، گر ناقص خواند، کامل شود و آن را به مرشد ظاهری احتیاج نماند که ظاهر و باطن مسلک و سلوک فقر را می داند و از این کتاب، چهار علم دریابد. علم کیمیا و اکسیر، علم دعوت تکثیر، علم ذکر الله روشن ضمیر و علم استغفار با تاثیر.»

از این کتاب، نسخه های متعددی موجود است. از جمله ۵ نسخه به شماره ۱۸۲۲، ۲۹۲۸، ۴۰۸۶، ۷۴۰۵، ۸۶۹۴، در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، نسخه ای به شماره ۳۵۵۴/۵۳۱/۲ در مجموعه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور و نسخه ای در کتابخانه محمدیه مجددیه در قصور نگهداری می شود. (۳۸) این کتاب نیز به زبان اردو ترجمه شده است. (۳۹)

۱۵. مجالس النبی یا لسان الفقرا یا سیف الرحمان، کتابی است عرفانی و به نظم و نثر فارسی، درباره موضوعات عرفانی، از جمله مقام فناء الشیخ، فناء فی الرسول، مقامات نفس و قلب، فقیری بدون علم، تاثیر تصور اسم الله، ذکر کلمه طیبیه از قلب، تمثیل عناصر رباعه به وجود انسان و روح پاک و روح ناپاک.

مولف در مقدمه آن گفته است: «هر که این کتاب را سیر کند، معرفت اسرار الهی بر وی رخ نماید و اگر مطالعه را ادامه دهد، نیاز به مرشد ظاهر نماند.»

نسخه ای از آن در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد به شماره ۳۰۲۵؛ نسخه ای در کتابخانه

آستانه سلیمانیه دیره غازیخان؛ نسخه ای در گنجینه ضیاء العلوم شیخوپوره و نسخه ای در کتابخانه غلام محمد گهوتوی در بهاولپور نگهداری می شود. (۴۰) این کتاب، به قلم عبدالستار تونکی به اردو ترجمه شده و در لاهور در ۱۳۴۳ ق به چاپ رسیده است. (۴۱)

۱۶. محبة الاسرار، رساله ای است عرفانی به نثر فارسی آمیخته به نظم درباره انسان کامل، معرفت الهی و فقر و فقیر که با حدیث قدسی «**الانسان سری وانا سره**» و «**کنت کنزا مخفیا**» آغاز شده است.

از این رساله نیز چندین نسخه موجود است. نسخه ای به شماره ۱۰۶۲ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد؛ نسخه ای در دانشگاه پنجاب لاهور؛ دو نسخه در گنجینه ضیاء العلوم شیخوپوره نسخه ای در کتابخانه هاشمی شیخوپوره، و نسخه ای در آستانه سلیمانیه دیره غازیخان. (۴۲)

رساله محبة الاسرار نیز به اردو ترجمه و در ۱۳۲۸ ق در لاهور به چاپ رسیده است. (۴۳)

۱۷. محک الفقرا یا محکم الفقرا، رساله ای است به نثر فارسی آمیخته به نظم، در آداب و اخلاق و صفات فقیر. مولف دو کتاب، با این عنوان داشته است: الف- محک الفقراء کلان ب- محک الفقراء خرد، که ظاهرا هر دو عنوان نام یک اثر است. (۴۴) از این اثر، چهار نسخه به شماره های ۱۰۶۲، ۳۰۲۵، ۴۹۸۰، ۷۴۰۵ در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد؛ نسخه ای در گنجینه ضیاء العلوم شیخوپوره؛ نسخه ای در کتابخانه سید شمس الدین گیلانی؛ نسخه ای در کتابخانه هاشمی شیخوپوره و نسخه ای در کتابخانه فقیر محمود سدید در دیره غازیخان نگهداری می شود. (۴۵) تاج الدین ککی زئی این رساله را با عنوان **هدایه الانسان الی سبیل العرفان** ترجمه کرده و در لاهور به چاپ رسانده است. (۴۶)

۱۸. مفتاح العارفين، نسخه ای از این اثر که به زبان فارسی نگاشته شده، در مجموعه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ۳۷۱۶ موجود است. این رساله نیز به اردو ترجمه شده است. (۴۷)

مجالس النبی یا
لسان الفقرا یا سیف
الرحمان، کتابی
است عرفانی و به
نظم و نثر فارسی،
درباره موضوعات
عرفانی، از جمله
مقام فناء الشیخ،
فناء فی الرسول،
مقامات نفس و قلب،
فقیری بدون علم،
تاثیر تصور اسم
الله، ذکر کلمه طیبیه
از قلب، تمثیل
عناصر رباعه به
وجود انسان و روح
پاک و روح ناپاک

پی نوشتها:

۱. jhelum
۲. sherkot
۳. jhang
۴. باهو، محک الفقیر الکبیر، ۹۱: ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ سندی ۱۵۷-۱۵۸؛ سید، ۱۵۴/۱۵۳؛ Rizvi, ۲/۴۴۰
۵. نک: سید، ۱۵۴
۶. نک: سید، ۱۵۴-۱۵۵؛ رضوی، همانجا؛ ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۴؛ نیز برای اطلاع از نظر سلطان باهو، نک: باهو، رساله روحی، ۱۲
۷. نک: حامد ۴۵
۸. همو، ۳۶-۳۷
۹. الطاف علی، ۱۲۷ به بعد
۱۰. سید، ۱۵۳؛ ظهورالدین احمد ج ۲، ص ۱۶۵
۱۱. الطاف علی، ۷۲
۱۲. سید، ۱۵۶
۱۳. باهو، کلید التوحید، ۳۰۶؛ ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۵؛ سید، ۱۵۶-۱۵۸
۱۴. نک: سید، ۱۵۶؛ ۴۴۲-۴۴۱، ص ۲، ج ۲، Rizvi
۱۵. برای اطلاع نک: سید، ۱۵۹-۱۶۰؛ ظهور الدین احمد، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۴
۱۶. Rizvi ۲، ص ۴۴۲-۴۴۳، ج ۲
۱۷. نک: ظهور الدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۴؛ سید، ۱۵۵
۱۸. سید، ص ۱۵۶-۱۵۷، ۱۶۰؛ ظهور الدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۶
۱۹. نک: منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۲۵۱-۱۲۶۰ همو گنج بخش، ۲، ص ۵۵۵
۲۰. منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۲۸۹؛ همو، گنج بخش ج ۲، ص ۵۶۰
۲۱. برای اطلاع نک: منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۵۳۳-۱۵۳۴؛ همو گنج بخش، ج ۲، ص ۷۰۳
۲۲. راهی، ص ۷۵
۲۳. همو، مشترک، ج ۳، ص ۱۳۷۰-۱۳۷۱
۲۴. نک: همان، ج ۳، ص ۱۳۷۴
۲۵. راهی، ص ۷۸-۷۹
۲۶. منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۳۸۰
۲۷. برای اطلاع نک: منزوی، گنج بخش، ج ۳، ص ۱۵۰۱؛ همو، مشترک، ج ۷، ص ۹۵۸-۹۶۰
۲۸. برای اطلاع درباره برخی از چاپهای



۱۹. نورالهدی، رساله ای است عرفانی به نثر فارسی. سه نسخه از آن موجود است: نسخه ای به شماره ۳۴۸۱/۴۵۶ در مجموعه شیرانی دانشگاه پنجاب لاهور؛ نسخه ای در کتابخانه حکیم عبدالرحیم جمیل در گجرات و نیز نسخه ای دیگر در دانشگاه پنجاب لاهور. (۴۸) این اثر، دوبار به اردو ترجمه شده که بار نخست با عنوان حق نما سه بار به چاپ رسیده و بار دوم نیز به قلم نور محمد سروری به اردو ترجمه و در ۱۳۸۲ در کراچی، چاپ شده است. (۴۹)

در کتاب پاکستان مین فارسی ادب کی تاریخ، چند اثر دیگر نیز به سلطان باهو نسبت داده شده است که عبارتند از: حجت الاسرار، اسرار طریقت، شمس العاشقین، مجموعه الفضل ومفتاح العاشقین. (۵۰)

از او اشعار پنجابی نیز به جای مانده که در برخی منابع بدانها اشاره شده است. (۵۱) کتابی نیز در شرح مناقب او با عنوان مناقب سلطانی یا تواریخ سلطان به قلم یکی از نوادگان او به نام سلطان حامد بن شیخ ممدوح به فارسی تالیف شده است. (۵۲)

آن نک: نوشاهی، فهرست کتابهای فارسی، ج ۱، ص ۷۴۵-۷۴۶؛ مشار، ج ۲، ص ۲۲۷۲.

۲۹. منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۲۶۰.

۳۰. نک: نوشاهی، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، ص ۲۳۷.

۳۱. ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۹؛ منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۷۴۷.

۳۲. ظهور الدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۹؛ منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۷۴۷.

۳۳. منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۷۱۱-۱۷۱۰؛ همو، گنج بخش، ج ۲، ص ۷۳۷.

۳۴. راهی، ص ۱۰۱.

۳۵. منزوی، مشترک ج ۳، ص ۱۷۰۲-۱۷۰۳؛ همو، گنج بخش، ص ۶۸۱، ۸۴۵.

۳۶. همو.

۳۷. همو.

۳۸. نوشاهی، موزه ملی کراچی، ص ۲۵۶ -

تسییحی ج ۱، ص ۹۷ - منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۸۰۹-۱۸۱۱؛ همو، گنج بخش، ج ۲، ص ۷۴۶-۷۶۵؛ بشیرحسین، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳۹. ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۴۴

۴۰. منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۸۶۷-۱۸۶۸ -

همو، گنج بخش، ج ۲، ص ۷۸۱.

۴۱. راهی، ص ۱۱۲.

۴۲. نک: منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۸۷۶- همو، گنج بخش، ج ۲، ص ۷۸۳.

۴۳. راهی، ص ۱۱۳

۴۴. نک: منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۸۸۲.

۴۵. همان، ج ۳، ص ۱۸۸۲-۱۸۸۳؛ همو، گنج بخش، ج ۲، ص ۷۸۴، ج ۴، ص ۲۴۲۰.

۴۶. راهی، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۴۷. ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۹۱۶- منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۱۹۶۲.

۴۸. نک: بشیرحسین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ منزوی، مشترک، ج ۳، ص ۲۰۸۵-۲۰۸۶- ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۱۶۵.

۴۹. راهی، ص ۱۳۱-۱۳۲- ظهور الدین، ج ۲، ص ۱۶۴.

۵۰. همو، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۵۱. سید، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۵۲. نک: آقابزرگ، ج ۲۲، ص ۳۲۸- بشیرحسین، ج ۱، ص ۸۳- ظهورالدین احمد، ج ۵، ص ۲۴۸-

منزوی، مشترک، ج ۱۱، ص ۱۰۱۱

ج - منابع

- الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ، محسن حسن، بیروت، دارالاضواء.

- انیس الواعظین، سندی، ابوبکر، بمبئی ۱۳۰۲ق.

- پاکستان مین فارسی ادب، ظهورالدین احمد، لاهور، ۱۹۷۴ م.

- تحقیق درباره احوال و آثار فارسی حضرت سلطان باهو و نظری در افکار وی، الطاف علی سلطان، لاهور، ۱۹۸۷ م.

- ترجمه های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، راهی، اختر، لاهور، ۱۳۵۶ ش.

- رساله روحی، باهو، سلطان محمد، به کوشش سلطان الطاف علی، لاهور، ۱۹۹۳ م.

- سلطان العارفین محمد سلطان باهو، سید، کلثوم، دانش، بهاروتابستان، ۱۳۶۷ شماره ۱۷-۱۸.

- فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، خانابا، تهران، ۱۳۷۳ ش.

- فهرست نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش، منزوی، احمد، راولپندی، ۱۳۵۷ ش.

- فهرست نسخه های خطی پاکستان، منزوی، احمد، اسلام آباد، ۱۳۶۲-۱۳۶۵ ش.

- فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش، نوشاهی، عارف، لاهور، ۱۳۶۵ ش.

- فهرست نسخه های خطی فارسی موزه ملی پاکستان کراچی، نوشاهی، لاهور، ۱۳۵۰ ش.

- فهرست مخطوطات شیرانی، بشیرحسین، محمد، لاهور، ۱۹۶۸ م.

- کتابخانه های پاکستان، تسییحی، محمد حسین، لاهور، ۱۳۹۷ق/۱۹۷۷ م.

- کلید توحید، باهو، سلطان محمد، ترجمه اردو از ملک چن الدین، لاهور، بی تا.

- محک الفقیر، باهو سلطان محمد، لاهور، ۱۹۴۷ م.

- مناقب سلطانی، حامد، سلطان، لاهور، ۱۳۴۵ق.

Rizvi, A.A., A History of Sufism in India, New Dehji. ۱۹۹۲

۶۵